برش روزنامه‌ها

شبکه مردمی ضدفساد

صبح‌نو نوشت: «مردم را در امر مبارزه با فساد شریک کنید» این عبارت را شاید بتوان از مهم‌ترین سرخط‌های سخنان روز گذشته رهبر انقلاب خطاب به مسئولان قوه قضائیه دانست؛ یک تقاضای کاملاً عملیاتی و میدانی که ضمن مدیریت فضای ملتهب افشاگری‌ها می‌تواند سهم زیادی هم در مدیریت هوشمندانه مبارزه با فساد داشته باشد.

وضعیت فعلی پارتیزانی افشاگری‌ها ولو آنکه بحق و درست و عادلانه هم باشد، قطعاً در درازمدت پاسخگو نخواهد بود، هم از حیث تبعات منفی این حرکت‌های فردی و هم از حیث عدم‌تأمین و تضمین برای افشاگران فساد.

ایجاد یک سازوکار درست نظارت مردمی، هم می‌تواند تا حد زیادی باعث کنترل فضای اتهام‌زنی‌های نادرست شده و حرمت و آبروی افراد را محفوظ نگه دارد و هم می‌تواند چتر حمایتی مناسبی برای گزارشگران مردمی ضدفساد فراهم آورد.

ناگفته پیداست که مراکز نامشروع قدرت و ثروت در صورتی که مجال یابند، از دست‌زدن به اقدامات مختلف علیه افشاگران فساد دریغ نمی‌کنند. در چنین شرایطی لازم است نوعی تضمین مادی و آبرویی برای افراد طراحی شود تا ضمن تسهیل مبارزه مردمی با فساد، از تحمیل هزینه‌های بعدی برای شبکه مردمی مورد نظر جلوگیری کند.

چنین سازوکاری در درازمدت می‌تواند یک شبکه نظارتی قوی مردمی پدید آورد که برخلاف دستگاه‌های نظارتی رسمی، برخاسته و جوشیده از بطن و بستر جامعه است. چنین شبکه‌ای نه با تهدید و نه با تطمیع قابل خریده‌شدن نیست. با همه این احوالات اما نباید فراموش کرد که فسادستیزی ساختاری از مسیر شفافیت می‌گذرد؛ شفافیتی که در آن عملکرد هر یک از مسئولان حکومت اسلامی برای هر فردی قابل ارزیابی و نمره دادن باشد.

آن روی سکه سیاست الکاظمی

روزنامه خراسان نوشت: سخنان الکاظمی مبنی بر حفظ حاکمیت عراق، اجرای مصوبات پارلمان از جمله پیگیری اخراج نظامیان امریکایی همه نوید این را می‌داد که او شخصیتی مستقل دارد اما ظاهراً این مواضع جزئی از سیاست‌های اعلامی او بود و درعمل با اقدام بامداد جمعه نیروهای تحت امر او، الکاظمی نشان داد که سیاست‌های اعمالی‌اش با سیاست‌های اعلامی‌اش تفاوت چشمگیری دارد.

اگرچه برخی تحلیلگران معتقدند الکاظمی به دنبال اجرای سیاستی تعادلی بین دو قدرت اصلی در عراق یعنی ایران و امریکاست اما به باور بسیاری، بازداشت گروهی از نیروهای حشد به صورت تصادفی نبوده است بلکه ماحصل تعاملات سیاسی داخلی و خارجی صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها، گفت‌وگوی راهبردی امریکا و عراق است که چند هفته پیش کلید خورد... برآیند این مذاکرات چیز دیگری است و امریکا وارد گفت وگویی نشده است که پایان آن چیزی جز تثبیت حضور درازمدت نیروهای امریکایی نیست.

بازگشت به نامه ۱۲ رئیس محترم کمیسیون‌های مجلس

روزنامه ایران ارگان رسمی دولت در یادداشتی به قلم علی ربیعی سخنگوی دولت به ۱۲تن از رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی که طی نامه‌ای از حسن روحانی خواسته بودند تا اوضاع نابسامان اقتصادی و معیشتی کشور را سروسامان بدهد تاخته و نوشته است: نامه تأکید دارد که به دنبال بازگشت روحیه انقلابیگری است، حال آنکه ۹نفر از اعضای امضاکننده نامه در مجالس انقلابی هشتم و نهم نماینده بوده و سه نفر دیگر در دولت قبل فعالیت کرده‌اند.

برادران گرانقدر تا زمانی که قرار بر این باشد که مسئولیت وضع موجود را همگان نپذیرند و اثر مسیر و میراث تاریخی شیوه اداره کشور بر شانه‌های اقتصاد و جامعه ایران تحلیل نشود، گشایشی حاصل نمی‌شود.

آنچه که شما امروز نمی‌پسندید محصول کردار همه قوا، نهادها و شوراهایی است که سهمی در حکومت داشته و دارند، هیچ کس از نپذیرفتن بار این مسئولیت طرفی نمی‌بندد و گرهی نمی‌گشاید. ظرفیت طرح مسئله و حرکت به سمت تدوین راه‌حل‌ها از نقطه‌ای آغاز می‌شود که همه، مسئولانه سهم خود را در پیدایش این وضعیت بپذیرند نه آنکه سنگر بگیرند و شلیک به دیگری را مهم‌ترین وظیفه خود بشمارند و به گونه‌ای سخن بگویند که گویی سیاستگذاری و سیاست در ایران تاریخ ندارد و از روز اول مجلس یازدهم آغاز شده است.

مردم هم به این عدم قبول مسئولیت، سخن تند گفتن‌ها و شعارهای بدون مصداق و عمل روشن و مدون دادن‌ها عادت دارند و این شیوه هیچ امید جدیدی در میان آحاد جامعه ایجاد نخواهد کرد. سخن من این است که اگر واقعاً قصد داریم مسئله‌ای حل شده، راهکاری در افق پدیدار شود و بن‌بست‌های سیاستگذاری بشکند، باید به گونه دیگری و بر سر مسائل دیگری سخن گفت و از کلیات فراتر رفت. سعی می‌کنم به اختصار پیشنهادم را بیان نمایم.

علل بی‌ثبات‌سازی اقتصاد

روزنامه آرمان ملی نیز به کلی منکر اختیارات گسترده دولت در حوزه اقتصادی شده و مشکلات امروز کشور را به گردن قوه قضائیه و مجلس انداخته و نوشت: ریشه و علت اصلی بی‌ثباتی اقتصادی، اجتماعی که امروز اقتصاد ایران را فراگرفته و تحت عنوان افزایش نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی و افزایش فزاینده تورم خود را به نمایش گذاشته از عدم ثبات اقتصادی نشئت می‌گیرد. این بی‌ثباتی دلایل مختلفی دارد که یکی از دلایل آن در اقتصاد ایران ناهماهنگی در سیاستگذاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین قوای کشور است.

به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران دستگاه قضایی نقش بسزایی در ثبات‌بخشی به این اقتصاد دارد. اقتصاد ایران از طرفی به‌شدت از تحریم‌های دشمن خارجی رنج می‌برد و از آن طرف نیز در داخل هماهنگی لازم وجود ندارد، مثلاً گویا کمیسیون‌های مجلس نامه‌ای به دولت نوشتند و دولت را تهدید کردند.

اگر مجلس جدید برنامه‌ای دارد، ارائه کند و اگر معتقدند که برنامه ششم ایراد دارد با یک طرح سه فوریتی راهکار ارائه دهد، نه اینکه بی‌ثباتی اقتصادی را صرفاً به دولت منتسب کنند. همین برخورد مجلس با دولت در این شرایط بی‌ثباتی را تشدید می‌کند. در واقع عدم‌شفافیت اقتصادی سیگنالی است که به جامعه داده می‌شود و به‌طورکلی می‌تواند در بی‌ثبات‌سازی اقتصاد نقش داشته باشد. امروز به هر جهت این اقتصاد به سرمایه‌گذاری نیاز دارد تا رشد اقتصادی تضمین شود. یکی از دلایل اینکه سرمایه‌گذاری شکل نمی‌گیرد و حتی ایرانیان خارج‌نشین هم به این امر مبادرت نمی‌ورزند، همین بحث بی‌ثباتی اقتصادی است.

شخصیت‌ها و فعالان سیاسی و اجتماعی به نامه‌نگاری شرم‌آور یک عنصر در سایه سیاسی واکنش نشان دادند

مقابل آیینه بایستید تا پلشتی‌ها را ببینید!

گزارش

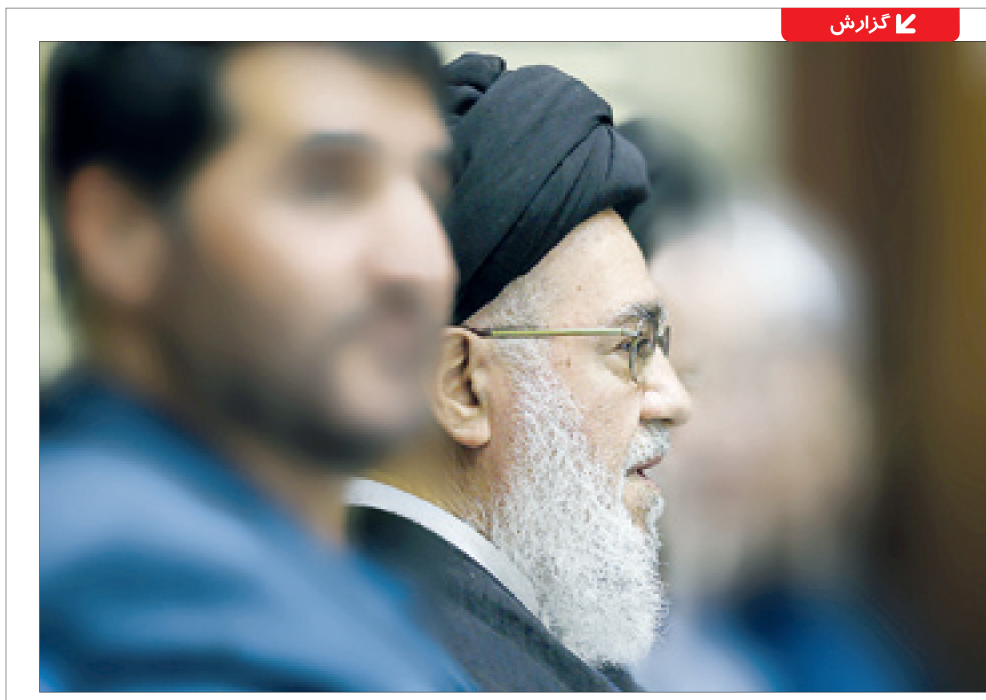

«مشکلات اقتصادی داریم، باید مذاکره کنیم، همه چیز تقصیر رهبری است» این سه گزاره‌ای است که اصلاح‌طلبان همیشه دنبال کرده‌اند و در نامه سرگشاده اخیر موسوی خوئینی‌ها به رهبری هم دنبال شده است. نامه او که در اختیار رسانه‌ها قرار داده شده، واکنش‌هایی را موجب شده است؛ واکنش‌هایی که تلاش می‌کند مغالطه‌ها، فرافکنی‌ها و اشتباهات تعمدی موسوی خوئینی‌ها را به او یادآوری کند و برای مردم برشمارد. برخی غرض شخصی موسوی خوئینی‌ها در برابر مقام معظم رهبری را بیان کرده‌اند.

■ نمی‌دانید که دولت تحت حمایت شما عامل این نابسامانی‌هاست؟

حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان در یادداشتی که خطاب به موسوی‌خوئینی‌ها در همین زمینه نوشته، آورده است: «آقای خوئینی‌ها خطاب به رهبر معظم انقلاب می‌نویسد: «در ذهن این مردم باورهایی که پشتوانه استحکام و نیز مقبولیت و مشروعیت نظام اسلامی بود به گونه‌ای روزافزون آسیب دیده و می‌بیند»! ایشان توضیح نمی‌دهد که این بی‌اعتقادی نسبت به اسلام و نظام و انقلاب است یا عملکرد برخی از مسئولان نظام؟! اگر بی‌اعتقادی نسبت به اصل نظام است، در مقابل ده‌ها نمونه اخیر که مردم با حضور چندده‌میلیونی خود بر وفاداری و اعتقاد راسخ خویش به اسلام و انقلاب و مخصوصاً رهبر انقلاب تأکید ورزیده‌اند، چه پاسخی دارند؟! مثلاً درباره حضور چندده‌میلیونی ملت از همه طیف‌ها در سوگ سپهبد شهید سردار سلیمانی چه پاسخی دارند؟! حمایت همه‌جانبه آنان از اقدامات نظام در مقابل باج‌خواهی امریکا و متحدانش را چگونه تفسیر می‌کنند؟!... ما هم بر این باوریم که اعتقاد مردم آسیب دیده است اما اعتقادشان به کدام مقوله با آسیب روبه‌رو شده است؟!»

او در ادامه افزوده است: «نوشته‌اند: «تورم روزافزون، همراه با کاهش درآمد اقشار گسترده، نه تنها زندگی امروز مردم را گرفتار دشواری‌های طاقت‌فرسا کرده که ناهنجاری در درون بسیاری از خانواده‌ها را گسترش داده و آنان را نگران آینده نامعلوم خود و فرزندانشان ساخته است! جناب خوئینی‌ها! تورم روزافزون و کاهش درآمد اقشار گسترده را چه کسانی به مردم مظلوم این دیار تحمیل کرده‌اند؟! یعنی حضرتعالی نمی‌دانید که دولت تحت حمایت شما و حزب و گروه شما عامل اصلی همه این نابسامانی‌ها و پلشتی‌هاست؟!»

یک نکته جالب هم در یادداشت شریعتمداری وجود دارد و آن نقل او از برخی اصلاح‌طلبان علیه نامه موسوی‌خوئینی‌ها به رهبری است تا جایی که یکی از آنان، این نامه را میخ آخر بر تابوت اصلاح‌طلبی دانسته است. شریعتمداری می‌نویسد: «در همین فاصله که نامه ایشان منتشر شده و استقبال گسترده دشمنان را در پی داشته است، برخی از هم‌حزبی‌های بسیار نزدیک وی از تهیه و انتشار این نامه و مخصوصاً از اینکه نامه وی بازگوکننده آرزوهای امریکاست به شدت ابراز نگرانی کرده‌اند و یکی از آنها نامه خوئینی‌ها را آخرین میخ به تابوت اصلاحات دانسته است. نگارنده در صورتی که این افراد اجازه بدهند - که امیدوارم بدهند- نام آنها را فاش خواهم کرد.»

■ فرار رو به جلو شگرد همیشگی دوم‌خردادی‌هاست

محمدعلی الفت‌پور محقق تاریخ معاصر هم در نامه‌ای به موسوی‌خوئینی‌ها نوشته است: «فرار رو به جلوی جنابعالی یک شگرد سیاسی و رسانه‌ای مرسوم در جریان موسوم به دوم‌خرداد بوده و است و همیشه به جای پیدا کردن دلیل اصلی مشکلات فکری و اجرایی مریدان اصلاح‌طلبتان به دنبال تخطئه غرض‌ورزانه از رهبری بودید؛ نه به آن موقعی که از سردمداران فتح لانه جاسوسی بودید نه به‌الان که به دنبال تحریک فشار اجتماعی برای وادار کردن نظام اسلامی به مذاکره با امریکا هستید.»

او در ادامه نوشته: «در هفت سال اخیر اگر اجازه و مجال از سخن گفتن و تحلیل کردن و بیان نظر کسی محروم شده، این انقلابیون و متخصصان متدین و حزب‌اللهی جوان این مرز و بوم بودند که به هر بهانه واهی و بی‌ارزشی رانده و سرکوب شدند.»

و در نهایت از انگیزه شخصی موسوی‌خوئینی‌ها برای انتقاد از رهبری می‌نویسد: «این آشی که به زور و تزویر یک ملت را سر آن نشاندید، آنقدر شور شده که صدای خودتان را هم درآورده و به شما حق می‌دهم که فرصت مناسبی است برای انتقام‌گیری از رهبری که سال‌هاست حقد و کینه او را در دل دارید. نه به خاطر وضعیت فعلی کشور که به خاطر قرار ندادن شما در جایگاه رئیس قوه قضائیه در سال‌های ابتدایی رهبری، نه به خاطر معیشت مردم که به خاطر مقابله با انحرافات فکری، سیاسی و اقتصادی جریان منتسب به شما و یاران غارتان جناب خوئینی‌ها حداقل ۳۱سال از ۴۱سال انقلاب سکان کشور به دست همین صاحبنظرانی است که در نامه‌تان سنگشان را به سینه زده‌اید، پس در فصل حساب و کتاب زیر میز نزنید که مردم مجدانه قصد دارند ورق را به نفع خط اصیل امام و شهیدان برگردانند.»

■ به جای نامه‌نگاری پاسخگو باشید

حجت‌الاسلام سیدرضا تقوی، نماینده مردم تهران هم گفته است: «افرادی که الان مدعی هستند و مواردی را درباره مشکلات اقتصادی مردم ذکر می‌کنند، باید پاسخگوی وضع موجود باشند. دولت فعلی مورد حمایت همین آقایان بوده است، از این رو به جای آنکه در گوشه‌ای بنشینند و از دیگران بخواهند که پاسخگوی وضع موجود باشند، باید طرح و برنامه برون‌رفت از مشکلات اقتصادی را به دولت مورد حمایت خود ارائه دهند.»

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی افزوده است: «بر این اساس، بهتر بود که موسوی‌خوئینی‌ها به جای نوشتن نامه خطاب به رهبر معظم انقلاب، پیشنهادات خود برای بهتر شدن اوضاع کشور را خطاب به دولت مورد حمایت‌شان ذکر می‌کرد. خوب است که موسوی‌خوئینی‌ها، همفکرانش در مجمع روحانیون مبارز و تشکل‌های جریان اصلاحات را گرد هم آورد و در آنجا بحث و تبادل نظر کنند و پیشنهادات خود را به دولت برای رفع مشکلات کشور ارائه کنند.»

■ او همیشه با رهبری مشکل داشت

حمیدرضا ترقی عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی هم با اشاره به نامه اخیر سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها عضو مجمع روحانیون مبارز به رهبر انقلاب اظهار داشت: «مخالفت یا دشمنی آقای موسوی‌خوئینی‌ها با مقام معظم رهبری از قبل انقلاب و دوران حزب جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. مخالفت‌های سرسخت ایشان با حزب جمهوری اسلامی و امثال مقام معظم رهبری و شهید بهشتی در صحبت‌ها و موضع‌گیری‌های آن وقت ایشان کاملاً مشخص و در تاریخ ثبت است.»

ترقی با بیان اینکه مخالفت ایشان با انتخاب مقام معظم‌رهبری به‌عنوان ولی‌فقیه در مجلس خبرگان هم کاملاً نشان‌دهنده این مسئله است، تصریح کرد: «اینکه ایشان می‌خواهد تمام مشکلاتی که ناشی از عملکرد وابستگان به جریان مجمع روحانیون در کشور است و نقش اصلی را اصلاح‌طلبان در پدید آمدن چنین شرایط اقتصادی در کشور بر عهده دارند به گردن مقام معظم رهبری بیندازد، امر مستمری است که نشان‌دهنده واقفیه بودن این جریان و عدم التزامش به ولایت فقیه بعد از حضرت امام(ره) است.»

عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی ادامه داد: «نکته دیگر اینکه ایشان تصور کرده که مردم در کشور ما متوجه این نیستند که تحریم‌ها، نابسامانی‌ها و فشارهای اقتصادی همگی ناشی از عدم اجرای سیاست‌های اقتصادی مقام معظم رهبری و تکیه دوستان ایشان به غرب، امریکا، اروپا و بیگانگان و حتی نامه طرفداران میرحسین موسوی به امریکایی‌ها برای تشدید تحریم‌ها علیه ملت ایران است.»

■ اصلاح‌طلبان چه می‌گویند، ما مقصریم

صادق زیباکلام، استاد اصلاح‌طلب دانشگاه تهران درباره نامه اخیر موسوی‌خوئینی‌ها به رهبر انقلاب می‌گوید: «آقای موسوی‌خوئینی‌ها در نامه اخیر خود به رهبر انقلاب مشکلات امروز جامعه را نقد کرده است که چنین نقدهایی را خیلی‌های دیگر از جمله من هم کرده‌ام و امر عجیب و تازه‌ای نیست. هنر موسوی‌خوئینی‌ها این است که هر چند وقت یک بار انگشت اتهام را به سمت یکی از شخصیت‌های نظام نشانه می‌گیرد و روزی علیه آقای هاشمی سخن می‌گوید و روز دیگر خطاب به رهبری مشکلات را گوشزد می‌کند، در صورتی که اگر قرار باشد در دادگاهی متهمان به وجود آمدن وضع کنونی احضار شوند، نخستین فردی که باید در آن دادگاه حاضر و محاکمه شود، خود آقای موسوی‌خوئینی‌هاست. او بخشی از گفتمان انقلاب را که برگزاری انتخابات آزاد، نبود زندانیان سیاسی، برگزاری آزاد تجمعات و از این دست معیارهای آزاداندیشانه بود، نابود کرد. من از او می‌پرسم که آقای موسوی‌خوئینی‌ها آیا شما در به وجودآمدن شرایط امروز هیچ نقشی نداشتی؟».

این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: «خطای دیگر او این بود که در قبال مسائل مهم این کشور سکوت کرد. باز هم از آقای موسوی‌خوئینی‌ها می‌پرسم که شما در سال ۷۶ کجا بودی و چرا هیچ موضعی نگرفتی؟ در دی ۹۶ و آبان ۹۸ چه می‌کردی؟ واقعیت این است که ما همه مقصریم، من صادق زیباکلام، عباس عبدی، تاجزاده، اصغرزاده، خاتمی و بسیاری دیگر در ایجاد شرایط امروز مقصریم، اما تردید نکنید که بیش و پیش از همه ما بزرگ‌ترین مقصر خود آقای موسوی‌خوئینی‌هاست. اینکه طوری رفتار کنیم که انگار همه این مشکلات یک‌شبه ایجاد شده و خودمان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بحران‌های کنونی ایران نقش نداشته‌ایم، جز فرافکنی و فرار از مسئولیت، چیزی نیست. موسوی‌خوئینی‌ها آرمان‌های انقلاب را زیر پا له و انقلاب را فدای اهداف و امیال خود کرد و عامل اصلی تحریف گفتمان انقلاب خود اوست.»

زیباکلام در پایان با ذکر خاطره‌ای درباره شخصیت موسوی‌خوئینی‌ها ادامه می‌دهد: «در انتها باید بگویم که موسوی‌خوئینی‌ها متکبرترین فردی است که به عمر خود دیده‌ام. به یاد دارم یکی از دانشجویانم بر موضوع تسخیر سفارت امریکا کار می‌کرد و موفق شد با افرادی چون عباس عبدی، محسن میردامادی، محمود احمدی‌نژاد و معصومه ابتکار درباره آن موضوع گفت‌وگو کند. او گفت که اگر بتوانم با آقای موسوی‌خوئینی‌ها هم گفت‌وگویی انجام دهم، پروژه‌ام کامل می‌شود، به همین دلیل از من خواست کرد که برای راضی کردن موسوی‌خوئینی‌ها تلاشی بکنم. من هم نامه‌نگاری‌های متعدد با او و دفترش انجام دادم و درخواست کردم که به چند پرسش این دانشجو پاسخ دهد و حتی از طریق دانشگاه تهران هم برای او نامه‌ای ارسال شد، اما او حتی پاسخ نداد که می‌خواهد مصاحبه کند یا نه، یعنی حتی به خودش زحمت نداد که بگوید وقت ندارم و مصاحبه نمی‌کنم. او اگر روزگاری ادعای استکبارستیزی داشته، بهتر است در ابتدا با استکبار درونی خود مبارزه کند.»

تحلیل
مهدی پورصفا

گام اول مجلس یازدهم در حمایت از سوت‌زنی

روز شنبه و زمانی که حجت‌الاسلام رئیسی به مناسبت فرا رسیدن هفته قوه قضائیه به ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده به محضر مقام معظم رهبری پرداخت، بر حمایت از گزارشگران فساد که در اصطلاح به آن سوت‌زنی گفته می‌شود، اشاره کرد. شاید این اولین بار بود که رئیس قوه قضائیه در چنین گزارشی بر ضرورت حمایت از این افراد تأکید کرد؛ عنصری که می‌تواند نقش مهمی در سلامت فضای اداری کشور به خصوص در شرایط فعلی و با توجه به معضلات امروز جامعه بوروکراسی ایران ایفا کند.

اساساً واژه «سوت‌زنی» برگرفته از واکنش پلیس‌های لندنی و به صدا درآوردن سوت در مقابل مشاهده هر گونه جرم و جنایت و فراخواندن بقیه اعضای پلیس در آن نواحی بود، از این رو و در قرن نوزدهم افشاگران جنجالی فساد در بین مقامات عالی‌رتبه را به این نام می‌خواندند، البته این سنتی نیست که تنها منحصر به غرب باشد بلکه در فرهنگ دین اسلام مبحث «امر به معروف و نهی از منکر» نیز در همین چارچوب تعریف می‌شود که نقش اساسی در حفظ سلامت اسلامی و اعتقادی جامعه مسلمانان دارد.

با این حال و به رغم وجود این گنجینه مهم غرب توانسته است، ساز و کارهای جدی‌تری را برای حفاظت از افشاگران فساد تدارک ببیند. نگاهی به قوانین معتبر در غرب نشان می‌دهد سابقه حمایت از افشاگران فساد به ۲۰۰سال پیش می‌رسد، به عنوان مثال در ایالات متحده امریکا اولین قانون مبارزه با فساد مربوط به زمانی بود که یکی از افسران نیروی دریایی این کشور در اوایل قرن نوزدهم به افشای زد و بند مالی در معاملات مالی کشتی‌سازی پرداخت. هم اکنون در این کشور علاوه بر سطح حاکمیت فدرال در دولت‌های محلی و شهرداری‌ها نیز قوانین متعددی برای حمایت از افشاگران فساد به تصویب رسیده است. در اروپا نیز بریتانیا در تصویب چنین قوانینی از سایر کشورها جلوتر بوده و الگوی برخی از کشورها در تنظیم چنین سازوکارهای قانونی محسوب می‌شود. نگاهی به آمار سایر کشورها نشان می‌دهد که بخش اعظم مفاسد اقتصادی یا تخلفاتی که در حوزه مالی روی می‌دهد از طریق ارائه گزارش از سوی افشاگران فساد آشکار می‌شود. این در حالی است که در ایران مبارزه با فساد اغلب از طریق وجود دستگاه‌های امنیتی و نظارتی دنبال می‌شود. در این حوزه به رغم اینکه نهادهای مختلفی همچون دیوان محاسبات، وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه سختکوشانه به دنبال مبارزه با فساد هستند اما به دلیل ماهیت پیچیده و گاه سیستمی جرائم روی داده تنها بخش اندکی از آنها کار می‌شوند. در مقابل در سایر کشورها افشاگران فساد نقش بسیار مهم‌تری در مقابله با فساد ایفا کرده‌اند، به عنوان مثال «برنامه گزارش تخلف خدمات درآمد داخلی امریکا در حوزه مالیات» قانونی است که حمایت از افشاگران فساد در حوزه پرداخت‌های مالیاتی اختصاص دارد و طبق آن طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ مبلغ ۳میلیارد و ۴۰۰میلیون دلار درآمد مالیاتی از طریق گزارش تخلف جمع‌آوری شده است که مبلغ ۴۶۵میلیون دلار آن به عنوان پاداش به گزارش‌دهندگان تخلف اعطا شده است.

همین مزیت سبب شده در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها به دنبال تصویب قوانین اینچنینی باشند، به عنوان مثال قانون حمایت از سوت‌زنان کره‌جنوبی با هدف حمایت از اشخاصی که علیه متخلفان از جمله کارفرمایان افشاگری کرده‌اند، طراحی و در سال ۲۰۱۱ اجرایی شده است که هر دو بخش خصوصی و دولتی را پوشش می‌دهد یا دولت آفریقای‌جنوبی در سال ۲۰۰۰ قانون حمایت از گزارش‌دهندگان فساد را به تصویب رسانده است. این قانون کارمندانی را که علیه کارفرمایشان افشاگری کنند، از جوانب مختلف تحت حمایت قرار می‌دهد. در ایران نیز به شدت کمبود چنین قانونی برای حمایت از افشاگران فساد به چشم می‌خورد که خوشبختانه مجلس یازدهم با درک چنین کمبودی و با حمایت قوه قضائیه به تصویب یک قانون جامع پرداخته است.

در همین باره حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی نماینده مردم محلات در گفت و گو با فارس، با اشاره به طرح مجلس برای حمایت از افشاکنندگان مفاسد مالی گفت: این طرح که به نام طرح سوت‌زنی معروف است به دنبال حمایت مالی، حقوقی و امنیتی از افشاکنندگان فساد است.

وی افزود: در این طرح مشوق‌های مالی برای کسانی که مفاسد را افشا کنند در نظر گرفته شده و درصدی از مبلغ فسادی که توسط فرد افشا می‌شود به عنوان مشوق به وی اعطا می‌شود. درصد مشوق در نظر گرفته شده برای این منظور هنوز به طور دقیق تعیین نشده و موضوع همچنان در حال رسیدگی است. سلیمی خاطرنشان کرد: علاوه بر حمایت‌های مالی، حمایت‌های حقوقی و امنیتی نیز از این افراد به عمل می‌آید و افشاکنندگان فساد در امنیت کامل به سر می‌برند و از حمایت‌های حقوقی لازم برخوردار می‌شوند. وی افزود: این طرح هم‌اکنون در حال بررسی و اخذ نظر نهادهای ذی‌ربط است و بناست پس از چکش کاری و بررسی‌های بیشتر در صحن علنی مجلس اعلام وصول شود. عضو هیئت رئیسه مجلس اظهار داشت: طرح سوت‌زنی برای اخذ نظر دستگاه قضا، مرکز پژوهش‌های مجلس و... به این مراکز ارسال شده و پس از اخذ نظر آنها طرح پخته و جامع و مانعی در این باره در مجلس مطرح خواهد شد. طبیعی است که تصویب این قانون با مقاومت‌هایی در سطح بدنه اجرایی به خصوص دولت یا شرکت‌های خصولتی روبه‌رو شود اما بدون شک برای سالم‌سازی سیستم اجرایی کشور باید گام در چنین مسیری نهاد؛ مسیری که خوشبختانه مجلس یازدهم گام اولش را برداشته و باید آن را به پایان رساند.

گزیده خبر

سرلشکر صفوی:

مرکز فرماندهی و کنترل تهدیدات زیستی در ستاد کل تشکیل شود

دستیار ویژه و مشاور نظامی فرمانده کل قوا پیشنهاد داد که یک مرکز تحت عنوان مرکز فرماندهی و کنترل تهدیدات زیستی در ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل شود.

به گزارش مهر، سرلشکر سیدیحیی صفوی دستیار ویژه و مشاور نظامی فرمانده کل قوا طی سخنانی در همایش ملی پدافند شیمیایی که صبح دیروز برگزار شد، با بیان اینکه تقویت و توسعه ظرفیت و ارتقای آمادگی‌های دفاعی برای مقابله با تهدیدات احتمالی شیمیایی، زیستی و اکوتروریستی باید یکی از راهبردهای پدافند شیمیایی در کشور باشد، گفت: ایجاد و توسعه سامانه یکپارچه و هوشمند و همچنین رصد و پایش محیطی برای آشکارسازی، هشدار و ارزیابی انواع تهدیدات شیمیایی، میکروبی و محیط زیستی، باید به صورت جدی در دستور کار سازمان پدافند غیرعامل کشور باشد.

وی‌افزود: توسعه دیپلماسی پدافند شیمیایی و مقابله با کرونا در جهت تقویت همکاری با کشورهای دوست و انتقال تجارب در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین مدیریت و فرماندهی یکپارچه توسط قرارگاه پدافند شیمیایی هنگام وقوع تهدیدات احتمالی، باید در دستور کار سازمان پدافند غیرعامل باشد.

دستیار ویژه و مشاور نظامی فرمانده کل قوا در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: اگر در ماجرای مقابله با کرونا، نیروهای مسلح به کمک دولت نمی‌آمدند مقابله با کرونا برای دولت بسیار مشکل‌تر از آنچه می‌شد که تا امروز انجام شده است. وی افزود: فرمان مقام معظم رهبری برای کمک‌نیروهای مسلح به دولت برای مقابله با کرونا و در پی آن تشکیل قرارگاه امام رضا(ع) سبب شد که روند مقابله با کرونا در کشور شتاب بسیار خوبی بگیرد. سرلشکر صفوی عنوان کرد: ما در حال حاضر یک معاونت تحت عنوان معاونت بهداشت و درمان در ستاد کل نیروهای مسلح داریم و پیشنهاد مشخص من این است که یک مرکز تحت عنوان مرکز فرماندهی و کنترل تهدیدات زیستی در ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل شود.

ظهره‌وند:

شورای حکام آژانس هجمه به ایران را از طریق قطعنامه پیگیری می‌کند

یک کارشناس مسائل بین‌الملل درباره قطعنامه روز گذشته علیه کشورمان گفت: شورای حکام آژانس بدون اینکه بخواهد به تکالیف خود در برجام توجهی داشته باشد، سعی می‌کند مسیر فشار بر ایران را از طریق قطعنامه پیگیری کند.

به گزارش فارس، ابوالفضل ظهره‌وند سفیر اسبق کشورمان در ایتالیا و کارشناس مسائل بین‌الملل درباره قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران، اظهار داشت: صدور این نوع قطعنامه‌ها مسبوق به سابقه است. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با گرایش به ملاحظات غربی‌ها و امریکا و سه کشور اروپایی سازوکار خود را سامان می‌دهد و طبیعی است که از یک سو در برخورد با ضعف‌های خود و مطالبه‌گری ایران در موضوع برجام از سوی دیگر، قطعنامه صادر کند و از طرفی بدون اینکه بخواهد به تکالیف خود در برجام توجهی داشته باشد سعی می‌کند مسیر فشار و کنترل بر ایران را از طریق قطعنامه پیگیری کند و این در آستانه رسیدن به زمانی است که محدودیت‌های تسلیحاتی ایران طبق قطعنامه ۲۲۳۱ رفع می‌شود، امریکایی‌ها هم این را برنمی‌تابند.

سفیر اسبق کشورمان در ایتالیا با اشاره به نقش امریکایی‌ها بر شورای حکام و آژانس و اهمیت آن، تصریح کرد: اکنون با رسیدن امریکایی‌ها به بن‌بست به دلیل خروج از برجام، نمی‌توانند از ظرفیت قطعنامه ۲۲۳۱ استفاده کنند و از برجام هم خارج شده‌اند و مواضع روسیه و چین نیز بر این تأکید می‌کند، بنابراین ناگزیر هستند که به سه کشوری که در ۴+۱ هستند، متوسل شوند و این سه کشور در برخورد با امریکا هیچ اراده‌ای ندارند و «مسلوب‌الاراده» هستند و نمی‌شود از این متعجب شد.

ظهره‌وند درباره مذاکره و برجام، اظهار داشت: برجام مرده محتضری است که جنازه آن روی دوش ۴+۱ است و این مهم است، بودن این جنازه روی دوش آنها بسیار مهم است. شنیدم برخی می‌گفتند که ما باید از برجام خارج شویم، این چه لزوم و اثری دارد؟ جز اینکه اگر از برجام خارج شویم توپ در زمین خودی می‌افتد و ما که در موضع مطالبه‌گری هستیم و می‌توانیم با این سه کشور برخورد کنیم، بدهکار می‌شویم، چون خود اینها می‌گویند این قطعنامه را برای حفظ برجام و آوردن ایران به پای میز مذاکره در موضوعات دیگر صادر کردیم.

وی اضافه کرد: اساس مسیری که ما با غرب تاالان تحت عنوان مذاکرات مختلف و از جمله برجام جلو رفتیم، بحث نرمالیز کردن و تسلیم ایران است. یک موقع برای تقسیم کیک و غنائم مذاکره می‌شود که این بحث جداگانه‌ای است و وقتی هم است که ظرفیت‌های ملی پای میز مذاکره برده می‌شود. کسی که ظرفیت‌های ملی را پای میز مذاکره می‌برد، فرجام بهتری از این نمی‌تواند داشته باشد. این طرف ظرفیت‌های خود را می‌دهد و طرف مقابل چیزی نمی‌دهد و فقط می‌گوید من فشار را برمی‌دارم.

موسوی:

عدم‌پاسخ قاطع به اروپا آنها را جسورتر کرد

نماینده تهران در مجلس گفت: راهبرد اعتماد به اروپا مانند امریکا کاملاً اشتباه و غلط بوده و باید موضعی قاطع در قبال آنها اتخاذ می‌کردیم ولی چون این کار را نکردیم، آنها جسورتر هم شدند.

به گزارش فارس، سیدنظام‌الدین موسوی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی درباره قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: مقام معظم رهبری از مدت‌ها پیش بحث بی‌اعتمادی نسبت به سه کشور اروپایی و همراهی با امریکا را مطرح کرده بودند و بارها ایشان تأکید کردند که جمهوری اسلامی نسبت به اروپایی‌ها بی‌اعتماد است و نباید به آنها اصلاً اعتمادی کرد و اگرچه آنها در ظاهر روی خوش به تهران نشان می‌دهند و سعی می‌کنند خود را متفاوت با امریکا نشان دهند اما در نهایت مدل حرکتی‌شان در قبال جمهوری اسلامی ایران مانند امریکا و به تبع آن کشور است. وی افزود: متأسفانه مانند خوش‌خیالی ساده لوحانه‌ای که برخی مسئولان ما در قبال امریکا داشتند درباره اروپا هم تکرار شد و اروپایی‌ها توانستند با لطایف‌الحیل از جمهوری اسلامی زمان بخرند و ما را مجاب کردند که در برجام باقی بمانیم.

نماینده مردم تهران در مجلس گفت: اروپایی‌ها با لطایف‌الحیلی اجازه ندادند جمهوری اسلامی ایران واکنش مناسبی را نسبت به بدعهدی امریکایی‌ها نشان دهند، ضمن اینکه اروپایی‌ها نقش کاملاً مرموزانه و فریبکارانه‌ای ایفا کردند و اسماً در برجام باقی ماندند اما رسماً مانند امریکا کاری نکردند.

موسوی افزود: اروپایی‌ها در درازمدت روندی را طی کردند که دقیقاً تکمیل کننده پازل امریکایی‌ها بود.

وی گفت: اروپایی‌ها بعد از عملیاتی کردن تحریم‌های مجدد امریکا علیه ایران و بعد از خروجشان از برجام، ادعا کردند کانال مالی جدید به نام اینستکس راه‌اندازی کرده و سعی می‌کنیم تا از آن طریق مراوده مالی با تهران داشته باشیم اما عملاً و بعد از گذشت یک سال اینستکس شاهد هیچ گونه مراوده مالی جدید نبود.